



روش مطالعه و نگارش علمی برای دانشجویان و پژوهشگران (۱)

ترجمه و تألیف: علی رضا استیری
عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

بسیاری از دانشجویان و پژوهش‌دوستان از اینکه نمی‌توانند در زمان مطالعه بر راحتی یادداشت برداری کنند و اجزای مطالب مفید را در قالب اثری پژوهشی ترکیب کنند، نگرانند. آنها معمولاً با دو مشکل عمده رو به رو هستند: اول اینکه نمی‌دانند چه مطالبی را برای یادداشت انتخاب کنند و چگونه آنها را بنویسند. دیگر اینکه پس از یادداشت چگونه از آن مطالب در تدوین اثر تحقیقی استفاده کنند. مشکل اخیر تقریباً فراگیرتر از مورد قبلی است. این مقاله می‌کوشد تا با ارائه نکاتی (نظری و عملی) تا حدودی به حل این مشکل کمک کند.

مقدمه

در عصر حاضر با ورود روزافزون تکنولوژی به عرصه اطلاعات برای ذخیره‌سازی و بازیابی سریع، مؤثر و دقیق آن به کاربران به نظر می‌رسد افسانه «جامعه بدون کاغذ»^(۱) جامه عمل بپوشد. برخی از صاحب‌نظران در حیطه دانش اطلاع‌رسانی بر این باورند که روزگاری فرا خواهد رسید که در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، دیگر ذره‌ای کاغذ وجود نداشته باشد و کاربران تنها با استفاده از صفحه‌ها، نرم‌افزارها و مواد غیرنوشتاری به اطلاعات مورد نظر دست یابند.

تأیید این فرضیه مستلزم زمینه‌هایی است که بتواند با زبان آمار، کاهش روزافزون کاغذ و زوال انتشارات را گواهی دهد، اما با کمی تأمل در دنیای واقعی چاپ و نشر این فرضیه به دلایل زیادی مردود است که یکی از آنها وابستگی عاطفی خواننده به کتاب است که حتی در لحظه تورق کتاب به چشم می‌خورد.

هنوز خواننده‌های زیادی هستند که در کشورهای پیشرفته‌ای مثل ژاپن - که مهد تکنولوژی کامپیوتر است - در داخل اتوبوس، مجامع عمومی و یا پشت چراغ قرمز با اشتیاق تمام به مطالعه کتاب می‌پردازند. اما در هر حال مطالعه، نرخ رکودی متفاوتی دارد. به نظر می‌رسد بخشی از این رکود جهانی، ناشی از آشنا نبودن دانشجویان و پژوهشگران نسبت به روشهای مطالعه است.

این نوشته، که ترجمه‌ای آزاد همراه با دخل و تصرف نگارنده است، برداشتی از کتاب جدیدی است که اخیراً توسط دو تن از استادان مشهور دانشگاه‌های انگلستان نوشته شده است.^(۲) کوشش نویسندگان بر این بوده است تا مباحثی کاربردی را برای دانشجویان و پژوهشگران ارائه کنند.

هر خواننده‌ای باید هنگام مطالعه، برداشت روشنی از منظور نویسنده متن داشته باشد. البته برخی اوقات، فراهم شدن چنین زمینه‌ای از پیچیدگی متن متأثر است و نه توان خواننده. با این حال، گاهی شرایط ایجاب می‌کند تا خواننده با مطالعه سطحی متن، مفاهیم اصلی آن را دریابد و بدین ترتیب نسبت به انتخاب آن منبع برای کار تحقیقی خود تصمیم بگیرد. اگر چه در مواردی مثل مطالعه عناوین

روزنامه‌ها یا جستجوی اسامی خاصی در متن، استفاده از مطالعه سطحی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، این روش برای دانشجویان، همیشه مناسب و مطلوب نیست؛ زیرا خواننده نمی‌تواند به نقاط حساس متن تمرکز داشته باشد. هر چقدر میزان تمرکز دانشجو و پژوهشگر به نقاط حساس متون علمی بیشتر باشد به همان نسبت اثربخشی مطالعه در قالب یادداشت‌برداری بیشتر خواهد بود.

برای ایجاد تمرکز در زمان مطالعه لازم است شرایط و محیط مناسبی برای خواننده فراهم شود. تمرکز حواس تا حدودی با وسایل و ابزارهایی قابل کنترل است، اما نمی‌توان این فرایند درونی را بطور کامل همیشه هدایت کرد. با این حال، در ایجاد محیط مناسب برای مطالعه، رعایت نکاتی قابل توجه است که در کتابهای مربوط آمده است.

انتخاب موضوع مطالعه در کار تحقیقی

بزرگترین عامل بازدارنده در کار تحقیقی، انتخاب موضوع مطالعه است. موضوع مطالعه یکی از عناصر تحلیلی تحقیق است. قدم اول در این مرحله، جستجوی منابع و مآخذی است که با موضوع تحقیق تناسب داشته باشد. در جستجوی اطلاعات، نمایه‌ها یا بهتر بگوییم کوچک کردن موضوع در قالب حداکثر سه یا چهار کلمه روش مناسبی است.^(۳)

از طرفی استاد مربوط به هر کار تحقیقی باید در مورد منابع به دانشجویان توصیه‌های مفید را ارائه کند تا دانشجو بتواند نسبت به گردآوری اطلاعات متناسب با تحقیق و همچنین اولویت‌بندی آنها تصمیم بگیرد. در این مرحله لازم است توجه خاصی به راهنماهای مختلف کتاب داشته باشید تا بتوانید میزان تناسب منبع را با موضوع تحقیق خود ارزیابی کنید. ابتدا نمایه‌ها را از نظر می‌گذرانید و بدین ترتیب کلمات شاخص در متن را مشاهده می‌کنید. آنگاه به بخشها و فصلهای کتاب در فهرست مندرجات می‌پردازید. با استفاده از سرفصلها و همچنین مرور سریع متن به نظر می‌رسد تا حدود زیادی بتوانید به موضوع اصلی کتاب یا مقاله پی برده باشید.

گاهی منابع زیادی را جمع آوری و شناسایی می‌کنید اما در ارزیابی آنها درمی‌یابید که با موضوع تحقیق چندان تناسبی ندارند. در این صورت بهتر است آنها را رها کنید و به دنبال منابع مناسبتر باشید.

بدیهی است همیشه نمی‌توان از طریق مطالعه سطحی سرفصلهای کتاب به اندیشه‌های اصلی متن دست یافت. اما با صرف اندکی وقت و جستجو در نمایه‌ها و همچنین کنترل بخشهای مختلف کتاب، (قبل از مطالعه کامل) فرصتهای زیادی برای مطالعه مناسب ذخیره شده است؛ به عبارت دیگر، این روش به شما کمک می‌کند تا نیازهای خود را با آنچه خوانده‌اید، تطبیق دهید.

نکاتی در مورد دسترسی بهتر به منابع

- از کتابشناسیها و فهرست منابع استفاده کنید.
- منابع مناسب را از استاد مربوط پرسید.
- سعی کنید هنگام تدریس استادان، نام منابع روزآمدی را که بیان می‌کنند یادداشت کنید.
- از دانشجویان هم‌رشته خود در سطوح بالاتر پرسید.
- سعی کنید با کارگروهی در محیطهای علمی از جستجوهای کتابشناسی یکدیگر استفاده کنید.
- از روش جستجوی کتابخانه‌ای (کلیدواژه یا موضوع) بهره ببرید.

تطبیق منابع با نیازهای اطلاعاتی

برای تطبیق و تشخیص مناسب منابع با موضوع تحقیق، باید به نقاط حساس و مهم کتاب یا مقاله توجه کرد. این نقاط عبارتند از:

- الف - عنوان (Title)
- ب - فهرست مندرجات و فصلهای متناسب (Contente)
- ج - مقدمه (Introduction)

د - مطالعه بخشی از کتاب / مقاله (Reading part of book or article)

ه - نتیجه (conclusion)

کتابخانه‌ها، منبع جستجوی منابع

کتابخانه نقطه پیوند دانشجو و استاد و همچنین، پژوهشگر و خواننده است. چنین به نظر می‌رسد اگر بخواهیم سطح علمی پژوهشگران را تعیین کنیم باید میزان ارتباط مؤثر او را با کتابخانه در نظر بگیریم. برای پژوهشگران واقعی، کتابخانه خانه تحقیق است و لابه‌لای قفسه‌های کتاب، کوچه‌ها و محله‌هایی است که پژوهشگر از دیر باز با آن آشناست. او در کتابخانه زندگی می‌کند. صدای صاحبان اثر را از لابه‌لای اوراق کتاب می‌شنود. سمبل «سکوت» کتابخانه برای او حکم «شنود» گفتارهای علمی، ادبی، فرهنگی و... را دارد. درست است که مطالب را چشم می‌بیند اما گویا او همواره در حال شنیدن صدای پدیدآورندگان آثار است. در هر حال اثر تحقیقی با کتابخانه شروع می‌شود؛ در کتابخانه شکل می‌گیرد و با منابع و مآخذ پایان می‌یابد. توجه به این منبع مهم یعنی کتابخانه، نباید یکسویه باشد. ما باید در اصلاح کتابخانه‌ها نیز بکوشیم چرا که وضعیت کتابخانه‌ها به گونه‌ای است که عمدتاً بر اساس شناخت نیازهای کاربران شکل نگرفته است و بدین ترتیب نمی‌توان خیلی انتظار داشت که تناسبی میان موضوع تحقیق با منابع وجود داشته باشد. در این نوع کتابخانه‌ها، متأسفانه، منابع موجود، تعیین‌کننده موضوع تحقیق هستند و پژوهشگر ناچار است خود را به منابع موجود کتابخانه‌ها محدود کند. بسیاری از علاقه‌مندان به پژوهشگری چنین اظهار می‌کنند که ما کتابخانه مناسبی سراغ نداریم. وقتی هم مراجعه می‌کنیم، کتابداران بعضاً برخورد خوبی ندارند. آیا وقت آن نرسیده است که نسبت به کتابخانه نگرش علمی وسیع‌تری پیدا کنیم و بگوییم کتابخانه، سازمانی است که به برنامه‌ای مدون نیاز دارد؟ برنامه سازمان کتابخانه بسیار روشن است چرا که فرایند کار، زیاد پیچیده نیست. گام اول در تشکیل کتابخانه، مجموعه‌سازی است. اگر نوع کتابخانه را تعریف کردیم و مثلاً

گفتیم کتابخانه دانشگاهی، دیگر جای تردید نیست که کاربران آن را می‌شناسیم که معمولاً دانشجو، استاد و کارمندان هستند. اینک باید در پی پاسخ این سؤالات باشیم که:

- دانشجویان در چه رشته‌هایی تحصیل می‌کنند؟

- استادان چه منابعی را تدریس می‌کنند؟

- علایق علمی هر یک مشتمل بر چه موضوعاتی است؟

- کارمندان بطور متوسط در چه سطحی از سواد علمی قرار دارند؟

اگر پاسخ این سؤالات بدرستی و بر اساس روش علمی و آماری بررسی شود، گام‌های بعدی، طبیعتاً استحکام گام اوّل خواهد بود و در نتیجه با فراهم شدن منابع مورد نیاز و نیز سازماندهی علمی کتابخانه، دیگر دلیلی وجود ندارد که کتابخانه دانشکده یا دانشگاه، خانه‌ای راحت برای تحقیق پژوهشگران سختکوش نباشد.

گاهی برخی از دانشجویان در کتابخانه دانشگاهی اظهار می‌کنند که می‌دانم این کتاب مورد نظر من نیست اما نتوانستم کتاب بهتری در این موضوع پیدا کنم؛ چون هنگامی که به کتابدار مراجعه کردم، تمام نسخه‌های کتاب مورد نظر را به امانت برده بودند. در این صورت، دانشجو باید به جای انتخاب این منابع غیرمتناسب با استاد تحقیق خود مشورت، و برنامه‌ای تنظیم کند که این نوع منابع کمیاب با محدودیتهای خاصی به امانت داده شود. چند روش مناسب برای دسترسی همگان به منبع مورد نیاز وجود دارد که عبارتند از:

الف - کارگروهی دانشجویان و پژوهشگران

ب - تهیه کپی از منابع (البته با توجه به قانون حق مؤلف، محدودیتهایی در این زمینه وجود دارد).

ج - برجسته کردن مطالب با قلم‌های رنگی روی کپی متن و...

مطالعه همراه با تمرین

همواره دو مشکل عمده در مطالعه دانشجویان وجود داشته است: اوّل اینکه

آنان در پی روش مناسبی برای نگارش مطالب مفید هستند و دیگر طولانی بودن مدت مطالعه است. برخی از متون با یک بار خواندن برای عموم قابل درک است. اما نمی‌توان گفت که درک همه متون برای همه خوانندگان یکسان است. این امر به سطح سواد علمی خواننده، میزان آشنایی او با موضوع و نیز فشردگی و نوع نگارش متن اصلی بستگی دارد. گاهی لازم است مطالب متن، تکراری مطالعه شود همانطور که در متون درسی این امر ضرورت دارد و دانشجو با تکرار و یادداشت‌برداری از آن می‌تواند دقت نظر لازم را برای یادگیری خود ایجاد کند. برای اینکه بتوانید سطح تفاوت مفاهیم و اندیشه‌ها را در دو نوع متن مشاهده کنید، تمرین جالبی وجود دارد:

تمرین ۱: در مورد مطالبی که معمولاً مطالعه می‌کنید، فکر کنید. مطالبی نظیر داستان، گزارش، خبر، مقاله و... در مرحله اول متنی را انتخاب کنید که با آن آشنایی دارید. سپس کتاب یا مقاله‌ای را برگزینید که مجبورید برای مطالعات خود بخوانید. بنابراین شما دو نوع متن در اختیار دارید: با یکی از آنها آشنا هستید و متن دیگر را نمی‌شناسید و مجبور هستید آن را مطالعه کنید. اینک صفحه کاغذ سفیدی را به دو قسمت تقسیم کنید. در یک ستون عنوان منبع اول را که با آن آشنایی دارید بنویسید و در ستون دیگر عنوان مطلب انتخاب شده خود را درج کنید. اینک لیستی از مطالبی را که در دو متن به عنوان وجه تفاوت آن دو مشاهده می‌کنید در ستون مربوط به هر کدام بنویسید.

فکر کردن در مورد تفاوت‌های دو متن

وقتی دو متن را با یکدیگر مقایسه کردید، بخوبی مشاهده می‌کنید که به رغم همانندیهای موجود، تفاوت‌هایی نیز دارند. اینک به تفاوت‌های دو متن فکر کنید. سعی کنید، دلیل دشوار بودن مطالعه را در خودتان جستجو کنید؛ به عبارت دیگر چه عاملی است که مطالعه کتاب یا مقاله را برای شما دشوار می‌سازد. در مورد این سؤالات که چرا خواندن بخشی از متن دشوار به نظر می‌رسد و یا بعضی از متون

طولانی هستند، فکر کنید که چه اندیشه‌ها و مفاهیمی برای شما تازگی دارد. گاهی ممکن است با افکار نویسنده موافق نباشید. در این صورت سعی کنید از روش بنیادی استفاده کنید. در این روش بررسی می‌کنید که چرا متن را دوست ندارید؛ چرا با نظر نویسنده موافق نیستید؟ ممکن است متنی را مطالعه می‌کرده‌اید که بدرستی انتخاب نشده است. زیرا نمی‌تواند پاسخگوی نیاز شما باشد.

مطالعه و یادداشت برداری

یکی از روشهای مطلوب مطالعه این است که بخشهای مهم متن را به اجزای کوچکتری تقسیم کنید. پس از آن بکوشید آنها را با یکدیگر متجانس کنید. این روش، ارتباطی میان مطالعه و یادداشت برداری به وجود می‌آورد و ناخودآگاه شما را به نوشتن وامی دارد. نگرانی اغلب دانشجویان این است که مطالب زیادی را یادداشت می‌کنند اما نمی‌دانند که از آن مطالب چگونه در تحقیق خود بهره ببرند. یکی از دلایل این نگرانی در این نکته نهفته است که آنها واقعاً نمی‌دانند «چرا» یا بهتر بگوییم نمی‌دانند «چگونه» باید بخوانند و یادداشتها را از متن انتخاب کنند. در تمرین زیر این مشکل بررسی شده است:

تمرین ۲: ابتدا مطلبی را که متناسب با نیاز شماست (تحقیق درسی یا موضوع مورد علاقه) انتخاب کنید. اگر در متن سرفصلهایی هست، برای درک بهتر مطلب از آنها استفاده کنید. متن را بدقت بخوانید و نکات قابل توجه آن را شناسایی کنید. بکوشید هر بار به اندازه‌ای مطالعه کنید که بتوانید براحتی مطالب قابل توجه متن را تفکیک کنید. هدف شما نباید خواندن و عبور کردن از متن باشد بلکه بخوانید تا مفاهیم اصلی متن را درک کنید. موقع مطالعه دوست دارید گزیده‌های متن را در هر جای صفحه باشد مطالعه کنید. انتخاب نکات قابل توجه به دو عامل بستگی دارد:

- ۱- نوع اطلاعات قبلی شما از موضوع و دیدگاه شما به متن. ۲- موضوع و سبک نگارش متن. شما به عنوان خواننده، بهتر از هر کس دیگر می‌توانید نسبت به انتخاب نکات قابل توجه تصمیم بگیرید. وقتی نکات مورد نظر را شناسایی کردید،

بکوشید آن را با استفاده از نگارش خود در چند سطر توضیح دهید. اگر بتوانید بدون مراجعه به متن اصلی، مطالب را بازنویسی کنید، مناسبتر خواهد بود. با همین روش، مطالعه را برای قسمت‌های بعدی ادامه دهید. وقتی مطالعه به پایان رسید، انبوهی از مطالب ناپوسته در اختیار دارید که باید با توجه به تصویر ذهنی شما از موضوع متن، بازنویسی شود.

گرچه این عمل در ابتدا دشوار به نظر می‌رسد، با کمی تمرین، می‌توانید براحتی در مورد بازنویسی یادداشتهای مهارت حاصل کنید. در واقع به کمک این روش می‌توانید یادداشت مناسبی را از متن تهیه کنید.

تمرین ۳: یادداشت برداری دقیق بعد از مطالعه

صفحه کاغذی را به سه قسمت مساوی تقسیم کنید به گونه‌ای که یک سوم آن در سمت راست و دو سوم در سمت چپ تقسیم شود. در قسمت چپ که جای بیشتری برای یادداشت برداری است، سعی کنید مطالب کاملاً مناسب با تحقیق خود را از متن استخراج و بازنویسی کنید. ممکن است شما از سرفصلهای متن استفاده کنید. آنها را با سبک نگارش خود خلاصه‌نویسی کنید. با این کار شما اولین قدم را برای استفاده از افکار خودتان در کار تحقیقی برداشته‌اید. وقتی یادداشت برداری اولیه تمام شد از سمت راست صفحه استفاده کنید. در این قسمت بکوشید یادداشتهای دیگری به صورت کلیدواژه برای آن مطالب اولیه بنویسید. اگر بتوانید بدون مراجعه به متن اصلی (کتاب / مقاله) این کار را انجام دهید خیلی بهتر است. برای خلاصه کردن مطلب می‌توانید از سرفصلها، نمودارها، جدولها و... استفاده کنید. به کار بردن قلمها و ماژیکهای رنگی نیز برای مشخص کردن مطالب کاملاً مفید است.

پس از این مراحل، شما یادداشتهایی را پیش رو دارید که نتیجه تلاش خودتان است زیرا در واقع دوبار یادداشت کرده‌اید. این تمرین چنانچه بطور مستمر برای متون مختلف علمی انجام گیرد، خودبه‌خود موجب تقویت توان نوشتاری شما در قالب یادداشت و فهم بهتر مطالب می‌شود.

یادداشتها

1- Society of paperless.

2- Creme, P. and Lea, Mary R.(1997). writing at university:

a guide for students. london: open university press.

۳- برای جستجوی بهتر و دقیقتر اطلاعات، استفاده از اصطلاحات و کلمات خاص در هر منبع حائز اهمیت است؛

مثلاً به جای روش جستجوی اطلاعات بهتر است از کلیدواژه یا نمایه فن اطلاع‌یابی که مصطلح هست استفاده کنیم.

